

اشتغال زنان از نگاه قرآن و سنت و نظر فقهای گذشته و حال

شیماء الصراف

عبدالله امینی

در مقاله تقدیمی، خانم صراف که قانوندان و پژوهشگر عراقی است، نظریات اهل سنت و شیعه در باره کار کردن و فعالیتهای بیرون از خانه بانوان را گزارش می‌کند. وی آرای فقها و نظریه‌پردازان گذشته و حال را بیان کرده، دلایل آنها را نقد و بررسی می‌نماید. نقد وی عمدتاً متوجه آن دسته از دیدگاههای فقهای اهل سنت است که در نگاه نویسنده درك جامعی از شرایط زنان ندارند. آشنایی با آرای اهل سنت و دلایل آنان، نیز معرفی منابعی در این باره و در ضمن بیان نظر برخی علمای شیعی، نگاه تازه و متفاوتی است که از امتیازات مقاله به شمار می‌آید. گرچه پیام زن بیم آن دارد قلم نویسنده تند رفته، جانب‌دارانه و با زنانه‌نگری (فمنیسم) مسأله را بررسی کرده باشد. به هر روی ارزیابی خوانندگان و صاحب‌نظران فرزانه، راهگشاست. این مقاله در مجله لبنانی «منبر الحوار» شماره ۱۵، سال ۱۹۸۹ آمده است که اینک برای علاقه‌مندان به فارسی برگردانده می‌شود.

* * *

موضوع کار کردن زن مسلمان در بیرون از خانه، همچنان باعث اختلاف نظر شد میان موافقان و مخالفان است. از آن‌رو که غالب افراد گروه دوم، به شکل صریح یا ضمنی ادعا دارند عقیده‌شان موضع اسلام است، در این مقاله به بیان مسأله از نگاه اسلام (قرآن و سنت) و نظر فقهای پیشین و معاصر پرداخته‌ایم. نگاهی‌های فقها و نویسندگان معاصر که به بازگشت به اصول اسلامی در بنیان خانواده و در تعیین وظایف زن و مرد دعوت می‌کند، اصرار دارد جای زن در خانه است و نخستین و آخرین وظیفه اصلی او، خانه و شوهرداری و تربیت فرزندان است. هر يك از این فقها، دلیل و سبب‌هایی را برای نظر خود مطرح می‌کنند. «رشیدرضا» فطرت را دلیل چنین اعتقادی می‌داند: «فطرت می‌طلبد زن به بارداری و شیردهی و نگهداری و تربیت فرزندان و به کارهای خانه بپردازد.»^۱

«حکیمی» با نظر وی موافق بوده، دلیل دیگری: عدم توانایی انجام کارهای سخت بیرون از خانه را می‌افزاید و توصیه می‌کند: اگر به کارهای خارج از منزل علاقه دارد، به شعرسرایی و نویسندگی بپردازد. ۲. گرچه می‌گویند کارهای خانه - به تنهایی - سخت و خسته‌کننده بوده، بیشتر این کارها، به فعالیت جسمی نیاز دارد.

اگر بپذیریم زن توان کارهای سخت را ندارد، آیا نویسندگان (حکیمی) نمی‌دانند تمام کارهای خارج از خانه نیازمند فعالیت بدنی نیست؟ حق داریم بپرسیم: چگونه این «موجود نازک و لطیف»؟! [توانست مشقتهاي هجرت را در زمان رسول الله (ص) تحمل کند؟! نیز حضور فعالی در جنگها داشته باشد!]

دکتر مصطفی سباعی می‌گوید: تا وقتی بر شوهر، شرعا واجب است نفقه بدهد، زن حق کار کردن ندارد. ۳ دلیل دیگر این است که: زن از فریب و مکر مردان، در امان مانده، جایگاه والا و پاک وی در اجتماع محفوظ ماند. ۴

حقیقت این است که در مقابل این دلیل که پرسش برانگیز است، متحیریم! آیا مردان هیچ کاری در محیط کار جز فریب دادن و گول زدن زنان ندارند؟! آیا زنان این قدر کم خرد و ساده‌اند که به آسانی، به بازی گرفته شوند؟!]

از شمار نویسندگانی که به منع فعالیت زن در خارج از خانه معتقد است - بی‌آنکه دلیل روشنی ارائه دهد - دکتر احمد فرج، در کتاب «المؤامرة علي المرأة المسلمة» است. ۵
دلایل «مودودی» برگرفته از قرآن و سنت، و دلایل فقهای پیشین است که گفته خواهد شد. مودودی در کتابش (الحجاب) دلیلی دیگر آورده که: بیرون رفتن زن از خانه برای کار، یعنی اختلاط با مردان و به دنبال آن، فساد، به سبب وجود اسباب آن، که فتنه نگاه و زبان و شنیدن صدای زن است. ۶

زنان شاغلی که از خیلی وقت پیشتر، در اثر رنج و مرارت کار روزانه، زیبایی و زنانگی خود را فراموش کرده‌اند، وقتی عبارت مودودی را بخوانند، زهرخند خواهند زد.
برخی از فقها و نویسندگانی که با اندیشه مودودی - مبنی بر ماندن زن در خانه و وقف خویشتن برای همسر و فرزندان - موافق‌اند، علت این نظریه را دلایل علمی می‌دانند که اثبات می‌کند ذکاوت و تواناییهای جسمانی زن، کمتر از مرد است. ۷
این نظریه‌پردازان نمی‌دانند یا خود را به نادانی می‌زنند که اداره خانه، این کشور کوچک، نیازمند ذکاوت و مهارت و نیروی بدنی پرتوانی است و از مهمترین و خطرترین وظایف زندگی، تربیت فرزندان است. در این صورت چگونه می‌توان این امور را به دست کسی سپرد که به گمان این آقایان، بهره کمی از ذکاوت و آگاهی دارد؟!
این نظریه‌ها و مشابه آن بسیار بوده، دلایل آن تقریبا یکی است.

[نظر فقهای کنونی]

نظر فقها و نویسندگان کنونی، به رغم توجیهات گوناگون در منع کار زن، تماما مستند به دلایل و اعتقادات فقهای پیشین است. دست کم به خاطر روابط زناشویی، بیشتر قواعد مکاتب فقهی، صراحت در منع زن از کار دارد، به دلیل اینکه شرعا بر مرد واجب است نفقه بپردازد.
کاسانی، از فقهای بزرگ حنفی می‌گوید:

«از جمله حقوق مرد، پس از ازدواج این است که زن در خانه بماند و کار نکند، و تأمین نیازهای زن

بر عهده مرد باشد.» ۸

سرخسي تأکيد مي‌کند:

«آشکارا معلوم است زنان نمي‌توانند کسب و کار کنند. کار زنان موجب فتنه است.» ۹

* * *

بيرون رفتن زن از خانه، بنا بر نظر فقها، بسته به اجازه همسر است، مگر اینکه پدر و مادر زن بیمار باشند و يا زن بخواهد به ديدن آنها برود. اگر زن بدون اجازه همسر، از خانه بيرون رود، فقها معتقدند وي ناشزه بوده، مجازات وي، عدم وجوب پرداخت نفقه است. بدین ترتيب کار کردن زن، بيرون از خانه، مشروط به رضایت همسر است. از این‌رو بسياري از زنان به دنبال کار خارج از خانه نیستند، زیرا نمي‌خواهند نافرمانی همسر را کرده، حق دریافت نفقه را از دست بدهند. همچنان که پیشتر وضع زندگي بدین دشواری نبود، طرحهای آزادسازی زن، از راه کار کردن، هنوز محقق نشده است.

[نظر فقها و قرآن و سنت]

نظر فقها در مورد کار کردن زن، بر قواعد قرآنی و سنت بنیان نشده، گرچه باید چنین باشد. ویژگی فقهای پیشین این بود که وقتی می‌خواستند قاعده و بنیانی نهند، هم‌رأی و

زنان شاغلي که

از خيلي وقت پیشتر

در اثر رنج و مرارت کار روزانه

زیبایی و زنانگی خود را

فراموش کرده‌اند

وقتي عبارت مودودي را بخوانند

زهرخند خواهند زد.

در مکه و زمان رسول الله (ص)

امور حسبه (مالي) را

«سمراء بنت نهيك الاسديه»

بر عهده داشت.

وي با شلاق کسانی را

که در داد و ستد

غش و فریبکاری می‌کردند

مجازات می‌کرد.

یکدل بوده، داده‌ها و واقعیتهای اجتماع را در نظر داشتند و رأیشان اولین و آخرین اجتهاد بود، که گاه درست بود و گاه نادرست، اما فقهای کنونی برای چاره‌جویی در موضوع کار کردن زن، داده‌های اجتماع را در اختیار ندارند، در حالی که مسأله‌ای مهم بوده، مهم‌تر این است که به

صراحت یا به طور ضمنی، نظر خود را به اسلام نسبت دهیم. ما به بیان نظر قرآن و سنت در باره کار زن پرداخته، نظر فقهای پیشین و کنونی را بررسی خواهیم کرد.

دین اسلام به هنگام پیدایش، برخی امور را که در جاهلیت بدان عمل می‌شد، پذیرفت و بعضی را اصلاح کرده، برخی دیگر را از بین برد و قوانین جدیدی را برای سامان‌دهی زندگی مسلمانان در اجتماع نوظهور امت اسلام، وضع کرد. اسلام در مورد کار کردن زن، وضع زمان جاهلیت را پذیرفت؛ یعنی بی‌آنکه قانون صریحی بنهد، به زن اجازه داد همچنان کار کند، زیرا دین، همان گونه که حق کار کردن مرد را مسلم و بدیهی می‌دانست، در مورد زن چنین عقیده‌ای داشت. در زمان جاهلیت، بسته به [فرهنگ] محیط، به زن اجازه کار و فعالیت حرفه‌ای داده می‌شد. ۱۰ وی به فعالیت‌های بزرگ و مهم اقتصادی در جامعه می‌پرداخت و در کنار مرد خانواده یا برای ارتزاق [خود و خانواده‌اش اگر بیوه یا مطلقه بود] به عنوان یک کارگزار، فعالیت کشاورزی و دامپروری داشت. زنان برای کمک به خانواده یا ارتزاق، به صنایع دستی مشغول بودند و به زن، صنعت کار گفته می‌شد. وی آنچه را می‌بافت یا می‌ریسید، نیز کره و روغن یا پوست دباغی شده را می‌فروخت. ۱۱ زن فعالیت تجاری هم داشت، چه در داخل و محدود، که در بازارهای محلی یا عمومی مثل بازار عکاظ، خرید و فروش می‌کرد، و یا در محل کسب خود که در طول سال کار می‌کرد و محصولات دست سازش را می‌فروخت یا کارهای زنان را که برای وی کار می‌کردند و آنچه را ساخته شده از بازار می‌خرید، خرید و فروش می‌کرد.

از شمار این زنان «ام منذر بنت قیس» است که ظاهراً در زمان رسول الله (ص) خرما می‌فروخت و «اسماء بنت مخرمه بن جندل» که عطر فروش بود و از یمن عطر وارد می‌کرد و در مدینه می‌فروخت. ۱۲ برخی از زنان تجارت خارجی می‌کردند و ثروتمند بودند، مثل «هند بنت عتبّه» و «خدیجه بنت خویلد»، اولین همسر پیامبر گرامی (ص).

در مقایسه با باقی حرفه‌ها، تجارت اهمیت و موقعیت خاصی داشت و کسانی بدان می‌پرداختند که شخصیتی قوی داشتند و دوراندیش بودند و می‌توانستند با مردم روابط و پیوند خوبی داشته باشند.

افزون بر این کارها، زنان در زمینه فکری و ادبی نقش داشتند و کاهن، شاعر، حکیم و مرجع رفع اختلاف بودند.

اگر کار و فعالیت زنان در زمان اسلام را ادامه وضع زمان جاهلیت بدانیم و اگر قرآن آیه صریحی در باره کار کردن زنان نیاورده باشد، همچنان که در باره مردان نیاورده، آیا می‌توانیم بدین سبب بگوییم: کار کردن مرد حرام است؟! گرچه در قرآن به طور ضمنی اشاره به کار کردن زنان شده است. قرآن مَهر را بر مرد شرعاً واجب کرده، ارث بردن زن را پذیرفته و سهم مشخصی از ارث را در هر وضعی برای وی در نظر گرفته است. این حقوق و اموال، «سرمایه»‌ای برای زن است که باید

آن را توسعه و رشد دهد. قرآن می‌پذیرد وی قانونا شایستگی دارد پیمان ببندد و خرید و فروش و رهن و ... کند.

در سنت - که از جمله وظایف آن تشریح و تبیین محتوای قرآن است - مطلبي در باره ممنوعیت کار کردن زن نیامده، خلاف آن را درست دانسته، کارهایی را که پیشتر زنان انجام می‌دادند، ادامه داده‌اند. ۱۳

اسلام در این حد متوقف نشد، بلکه زن را به حضور در فعالیتها و به عهده گرفتن وظایف و مناصبی خواند که به مقتضای جامعه نوپیدای اسلام به وجود آمده بود. در مکه و زمان رسول الله (ص) امور حسبه (مالی) را «سمراء بنت نهيك الاسديه» بر عهده داشت. وی با شلاق کسانی را که در داد و ستد، غش و فریبکاری می‌کردند، مجازات می‌کرد. ۱۴ امور حسبه از مهمترین و خطیرترین مناصبی است که شخص می‌تواند در جامعه اسلامی بر عهده گیرد. بنا بر تعریف ماوردی از امور حسبه، که امر به معروف به هنگام ترك آن و نهی از منکر در وقت انجام آن است، ۱۵ مسؤولیت امور حسبه، حد و مرزی نمی‌شناسد. از واگذاری این مسؤولیت به زن می‌توان میزان اعتماد بالا به تواناییها و شایستگی‌های زن را در پذیرش مسؤولیت، در زمان پیامبر (ص) فهمید. در جنگهای پیامبر (ص) بسیاری از زنان مانند مردان نقش داشتند. ۱۶ زن به فعالیتهای مذهبی می‌پرداخت و مانند عابدی فقیه از پیامبر روایت می‌کرد و رسول الله برای وی حدیث می‌گفت. زن در زمینه شعر هم بارز و برجسته بود.

* * *

موضع اسلام در باره کار کردن زن، موضع درست و طبیعی دینی است که در پی ساختن اجتماعی استوار و به هم پیوسته است و می‌داند ساختن چنین جامعه‌ای نیازمند تلاش و حضور فعال و بنیادی زن است و به خوبی آگاه است، نقش مهم و اساسی زن در ساختن اجتماع کوچک خانواده، مانع ایفای نقش وی در ساختن جامعه بزرگ اسلامی، از طریق کار کردن نیست. حق کار کردن زن که اسلام پذیرفته، پذیرش انسان بودن زن و جزء احترام و تقدیری است که دین نوظهور اسلام برای وی قایل بود. این حق، عمل کردن به مفاد آیه ۱۷ سوره توبه است: «مردان و زنان مؤمن، سرپرست یکدیگرند و همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.» در زمان خلفای راشدین، مانند زمان پیامبر (ص)، زن مسؤولیتهای مهمی بر عهده داشت. عمر - خلیفه دوم - شفاء دختر ابی‌سلیمان را بر امور مالی و دارایی بازار مدینه گماشت. هر زمان عمر وارد بازار می‌شد، شفاء دنبال وی بود. ۱۷

اکنون اگر موضع فقهای پیشین را بررسی کنیم، علت فتوای آنان را در حرمت کار کردن زن می‌فهمیم. در قرن دوم هجری و پس از استقرار مسلمانان در سرزمینهای فتح شده، فقه شکل یکدستی را برای بیش از یکصد سال پیدا کرد. در پی پرسشهایی که از فقیهان می‌شد و به گونه فتوا و حکم، عمومیت می‌یافت، قوانین فقهی به وجود آمده، گذشته از گرایشهای شخصی، بازتاب اوضاع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جامعه‌ای بود که فقیه می‌زیست. پیشینه سترگ

سیاسی و اقتصادی و اجتماعی که در صد سال - فاصله میان وفات پیامبر و ظهور فقه - بر جای ماند، به شکلی پنهان و پیچیده، قواعد فقهی را سمت و سو می‌داد.

کشورگشایی‌های مسلمانان و استقرار آنان در جوامع دیگر و آمیختگی‌شان با امتها و ادیان و باورهای جدید، موجب واکنشها و پیامدهایی در تمامی زمینه‌ها، از سوی مسلمانان شد. برخی از این پیامدها مربوط به زن می‌شد. بیم مردان از آبرو و ناموسشان موجب فشار و سختگیری بر زنان و خانه‌نشینی آنان شد. مردان می‌ترسیدند زنان با مردهای غیر عرب و غیر مسلمان اختلاط و ارتباط داشته باشند. به مردان مسلمان اجازه داده شده بود با زنان غیر مسلمان ازدواج کنند، ولی ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان، به راحتی انجام نمی‌شد. فکر ازدواج زن عرب با نژادی دیگر پذیرفته نبود و اگر ازدواجی صورت می‌گرفت، به زور فسخ می‌شد. ۱۸ سختگیری بر زنان و اجبارشان بر خانه‌نشینی، به منظور پیشگیری از پیامدهای سوء بود و پیش از آنکه توسط فقها قانونمند شود، رواج و گسترش یافت. ۱۹ [خانه‌نشینی اجباری زنان دلایل دیگری هم داشت:]

وضع آشفته سیاسی؛ جنگهایی که میان مسلمانان پیش آمد و زنان فعالانه و به طور مستقیم - و حتی در سطح رهبری - در آن شرکت داشتند، مثل جنگ جمل به رهبری عایشه (همسر پیامبر) و گاه غیر مستقیم در نبرد حضور داشتند که کتابهای تاریخی از آن سخن گفته است، مانند فعالیت زنان خوارج، نیز گفتگوی معاویه با زنان که چرا در جنگ، با امام علی(ع) همراهی کردند. آنچه برشمردیم باعث شد مردان بر زنان سخت گیرند و از فعالیت آنان جلوگیری کنند، گرچه در قرآن و سنت دلیلی وجود نداشت که زن را از حضور و فعالیت باز دارد. شاید بتوان گمان کرد حقوق بسیار و آزادی گسترده و برابری حقوق و تکالیف زن با مرد به عنوان يك انسان که اسلام به ارمغان آورد، موجب شد مردان سعی نمایند زن را پایبند و محبوس در خانه کنند و احادیث دروغی را در تأیید عمل خویش جعل کنند، همچون: اگر زن بدون اجازه همسر از خانه بیرون رود، هر چه که خورشید و ماه بر آن می‌تابد، زن را نفرین می‌کند، مگر اینکه شوهر راضی شود. ۲۰

فقه برای قانونمند کردن وضع موجود، پا پیش نهاد و از آیاتی همچون «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ؛ در خانه‌هایتان بمانید» بهره گرفت، در حالی که این آیه به روشنی، به زنان پیامبر(ص) اختصاص دارد، زیرا در آغاز آن «یا نساء النبی لستُنَّ کأحد من النساء» (احزاب/ ۳۳) است. زنان رهبر و پیامبر امت، احکامی خاص دارند، تا رفتارشان مورد نکوهش دیگران قرار نگیرد، پیامبر(ص) اذیت نشود. ۲۱

فقهایی که اعتقاد به خانه‌نشینی زنان دارند، از آیه «و للرجال علیهن درجه» که در آغاز آن «و لهنّ مثل الذی علیهن بالمعروف» است، نیز از آیه ۲۳ نساء «الرجال قوامون علی النساء» استفاده کرده‌اند. همچنین از احادیثی که زن را به پیروی از همسر تشویق می‌کند، در حالی که این آیات و احادیث به دلیل منطقی هدفی جز این ندارند که رهبر کشور کوچک خانواده را تعیین کنند؛ رهبری

که در اداره و رهبری، باید ستمگر و زیاده‌طلب نباشد.

* * *

با بررسی گفتار فقها و نویسندگان معاصر [از اهل سنت] در باره کار کردن زن، می‌بینیم که برخی فقها امانتدار و واقع‌نگر نبوده، در فهم نقش فقه و فقیه، کوتاه‌نظری کرده‌اند. این سخنی گزاف نبوده، ارزیابی خواهد شد. امانتدار نبودند، چون نظر خود را برگرفته از قرآن و سنت قلمداد می‌کردند، در حالی که ما نظر این دو را در باره کار زن گفتیم. افزون بر این، تمامی اقوال فقهای پیشین را نیاورده، به برخی گفتارها اعتماد و بسنده کرده‌اند، ولی چنین وانمود کردند که رأی تمامی فقها چنین است! اما مطلقاً چنین نیست، مثلاً مذهب جعفری (شیعی) نه تنها کار کردن زن را قبول دارد، بلکه فراتر از این را معتقد است. «مغنیه»،

مسئولیت امور حسبه

حد و مرزی نمی‌شناسد

از واگذاری این مسئولیت

به زن می‌توان میزان

اعتماد بالا به تواناییها

و شایستگی‌های زن را

در پذیرش مسئولیت

در زمان پیامبر(ص) فهمید.

رأی فقهای شیعی را در بحث اجاره چنین گزارش می‌کند:

[نظر فقیهان شیعی]

«سید یزدی در عروة الوثقی و سید حکیم در مستمسک گفته‌اند: اگر زن برای خدمت در مدت معینی، [تعهد و توان خود را] اجاره دهد و پیش از انقضای این مدت، ازدواج کند، اجاره [و تعهد] باطل نمی‌شود، حتی اگر خدمت منافعی بهره‌جویی شوهر و حقوق زناشویی باشد. در این حکم تفاوتی نیست شوهر در هنگام ازدواج، تعهد زن را بداند یا نداند، زیرا دو حق اینجا هست: حق خدمت و حق شوهر. اگر زن بتواند هر دو را انجام دهد، که خوب، و اگر جمع میان آن دو ممکن نباشد و تراحم کنند، حق پیشتر که تعهد خدمت است، مقدم است، چون اگر حقوق شرعی مزاحم هم شوند، ترجیح با حق سابق است. بنابراین شوهر حق اعتراض یا فسخ تعهد زن را ندارد و همسر ناشزه محسوب نمی‌شود. اما اگر پس از ازدواج تعهد خدمت دهد و با حق شوهر منافات داشته باشد، بدون اذن و اجازه شوهر، تعهد خدمت درست نیست. اگر تعهد، با حق شوهر مطلقاً منافات ندارد؛ مثلاً تعهد قرائت قرآن یا بافتن پیراهن با نخ کاموا یا پشم را بدهد، اجاره [و تعهد] صحیح است حتی اگر شوهر اذن ندهد.» ۲۲

متانت و منطقی بودن و واقع‌نگری نظر این فقیهان مشهود است. اینان اگر کار کردن زن پس از ازدواج را به موافقت شوهر ربط داده‌اند، به معنای اولویت حضور زن در خانه

کشورگشایی‌های مسلمانان
و استقرار آنان در جوامع دیگر
و آمیختگی‌شان با امتها
و ادیان و باورهای جدید
موجب واکنشها و پیامدهایی
در تمامی زمینه‌ها
از سوی مسلمانان شد
برخی از این پیامدها
مربوط به زن می‌شد.

است. بدون تردید این اجتهاد همخوان با واقعیتهای اجتماع در آن زمان است.

[نظر ابوحنیفه]

ابوحنیفه فتوا داده است: زنان می‌توانند قاضی شوند، اما در مواردی که نمی‌توانند شهادت و
گواهی دهند، یعنی در حدود و جنایات، نمی‌توانند قاضی باشند. ۲۳

[نظر طبری]

امام ابن‌جریر طبری، قضاوت زن در تمامی احکام را روا می‌داند. ۲۴
نظر این رهبران دینی کجا و رأی فقیهان و نویسندگان معاصر کجا! با اینکه منصب قضا در جامعه
اسلامی از مهمترین و خطیرترین مناصب است.

اگر کار کردن زن، به حق شوهر نقصان یا آسیبی نرساند یا به خروج از خانه نیانجامد، علما اجازه
داده و افزوده‌اند: اگر زن، حرفه‌ای مثل مامایی دارد، که از وجوب کفایی زنان است، شوهر
نمی‌تواند مانع بیرون رفتن وی از خانه شود. ۲۵، اما حتی این قول را فقهای معاصر نگفته‌اند!

[تنگ‌نظری فقها]

فقهای کنونی در نظر و رأی خود مبنی بر ممنوعیت اشتغال زنان، دچار تنگ‌نظری و عدم واقع‌نگری
شده‌اند؛ بر خلاف فقهای پیشین که به گمان خود با اجتهاد در قرآن و سنت، زن را از کار کردن منع
کرده‌اند. انگیزه هر دو گروه، داده‌ها و طبیعت جامعه بوده است. در گذشته زنان به همان راحتی
ازدواج می‌کردند، که طلاق می‌گرفتند. در نتیجه همیشه کسی بود که آنان را بگیرد و نفقه دهد،
حتی زنان مدت عده مرگ یا طلاق را به فراموشی می‌سپردند تا پیش از موعد ازدواج کنند.
ماوردی که در قرن پنجم هجری زندگی می‌کند، در کتابش «الاحکام السلطانیة» از جمله وظایف
قاضی را الزام زنان به عده نگه داشتن می‌داند. ۲۶ اما ازدواج و طلاق سهل و ساده، اکنون - بلکه
از مدت‌ها پیش - وجود ندارد و زن خود را ملزم به کار کردن و تأمین نیازها به دست خود می‌بیند.
همکاری و پشتوانه اجتماعی که در زمان فقهای پیشین میان مردم بود، اکنون در جامعه ما کم
شده، مدتهاست روحیه فردگرایی و خودمحوری گریبانگیر انسانها شده است و مردان و زنان خود
را ملزم به کمک به زنان مطلقه یا کوخ‌نشین - حتی اگر صغیر داشته باشد - نمی‌بینند و یا این کار

را به رغم میل خود و به خاطر سرزنش مردم و خجالت انجام می‌دهند. در این وضعیت زن چاره‌ای جز کار برای تأمین نیازهای خود و فرزندان ندارد.

این وضعیت می‌طلبد زن توانایی کار یا حرفه‌ای را داشته باشد، نه اینکه - چنان برخی فقها می‌گویند - فقط بتواند خانه شوهر را اداره کند! بسیاری از اوقات به سبب مشکلات و نیازهای زندگی کنونی، مرد نمی‌تواند نیازهای خانواده را تأمین کند و کار کردن زن بسیار ضروری می‌نماید. اگر شوهر خست داشته یا در خرج کردن سخت‌گیر باشد و همسر آبروداری کند و نخواهد به محاکم پناه برد و ادعای نفقه نماید - به خصوص اگر چند فرزند داشته باشد - آیا حق ندارد کار کند و نیازهای خود و فرزندان را برآورد؟ البته علل دیگری را می‌توان برای وجوب کار کردن زن برشمرد که پایان ندارد.

فقیهان کنونی نقش فقه و فقیه را درست نمی‌شناسند و نمی‌دانند با دگرگونی عرف و سنتها و شرایط زمان و مکان، فتوا تغییر می‌یابد. فقه، بنا بر تعریف «ابن‌القیم الجوزیه» یعنی همین تغییرات! وی می‌افزاید:

«اگر فقط به آنچه در کتابها هست، بی‌آنکه اختلاف عرف و مصالح آنان و شرایط زمان و حالات نگرینسته شود، کسی فتوایی بدهد، گمراه بوده و دیگران را نیز گمراه کرده است. این کار خیانت به دین است و مثل این می‌ماند که طبیبی مردمان را به آنچه در کتابها نوشته‌اند، مداوا کند، بی‌آنکه به اختلاف [آب و هوای] شهرها و مصالح و زمان و طبیعت آنان بنگرد. این طبیب و آن فقیه، نادان و جاهل بوده، به [سلامت] دینی و جسمی مردم آسیب می‌رسانند.»^{۲۷}

سخن ابن‌القیم به روشنی می‌فهماند که فقه [به خودی خود] مقدس نیست، بلکه برای مصلحت بندگان وضع شده، وقتی قاعده‌ای فقهی معقول است و اجرا می‌شود که به هدف و علت (حکمت) تشریع دست یابد، که با تغییر احوال و زمان و مکان، هدف متغیر است. اگر فقهای کنونی فقه را مقدس می‌دانند، باید دست از قواعدی همچون «الضرورات تبیح المحظورات» یا «لا ضرر و لا ضرار» بشویند، در حالی که قواعدی چنین، روح اسلام است و با توجه به وضع زمان، کار کردن زن را روا می‌شمرد.

[دلایل دیگر برای ممنوعیت کار زنان]

برخی از فقهای معاصر که با کار کردن زن، ضدیت دارند، می‌گویند:

«کلاً درست نیست که دختران و زنان برای تأمین مخارج خویش کار کنند، بلکه باید پدر یا شوهر و یا برادران آنان نفقه‌شان را بدهند، تا زنان به زندگی زناشویی و بچه‌داری بپردازند.»^{۲۸} از این رو «از نظر اسلام، آموزش و پرورش زن، از وی همسری نمونه و مادری مهربان و خانه‌داری مدیر می‌سازد.»^{۲۹}

آیا این نظریات درست بوده، جامعه‌ای نمونه در تقسیم کار به وجود می‌آورد؟! که مرد بیرون از خانه کار کند و رزق و روزی به دست آورد و خانواده را تأمین کند، و زن داخل خانه، کارش شوهرداری و خانه‌داری و تربیت فرزندان باشد؟! اوضاع و شرایط کنونی جامعه ما این رویکرد را برنمی‌تابد. لازم

است در کوتاه مدت، بسیاری از چیزها را تغییر داد و از صفر شروع کرد. آیا دعوت فقها به خانه و شوهرداری و تربیت فرزندان توسط زن، برای رفع بگو مگوهای است که دیر زمانی است در این قرن بر سر کار کردن زن در جامعه پا گرفته است؟ بگو مگوها و شعارهای پوچی که می‌گوید: کار، موجب استقلال اقتصادی زن و عدم سازش در اگر زن

حرفه‌ای مثل مامایی دارد
که از وجوب کفای زن است
شوهر نمی‌تواند مانع
بیرون رفتن وی از خانه شود
اما حتی این قول را
فقهای معاصر نگفته‌اند!

برابر ظلم شوهر است (گویا که زن برای جنگ آماده می‌کنند!) کار باعث می‌شود زن شخصیت خود را باز یافته و کرامتش را حفظ کند. ۳۰
اگر واکنش فقها به سبب چنین گزاره‌هایی است، معلوم می‌شود باز فقها واقعیت‌های زمانی را که در آن زندگی می‌کنند، نمی‌شناسند و از آنچه می‌گذرد، بی‌خبرند.
از مدتها پیش، بسیاری از زنان، بطلان این شعارهای توخالی و تبلیغاتی را دریافته، به رغم کار در بیرون از خانه، مسئولیت اداره خانه و توجه به همسر و تربیت فرزندان را بر عهده دارند. بدین سبب مسئولیتشان دو چندان شده، جسما و روحا خسته‌اند. ۳۱
مبالغه نیست اگر بگوییم اکنون خانه‌نشینی زن و بی‌نیازیش از کار، جز برای زنان ثروتمند یا کسانی که شوهری توانگر دارند، ممکن نیست. کار نکردن رؤیای بسیاری از زنان است که مجبورند برای تأمین نیازهای خانواده - اگر شوهر نداشته باشند - کار کنند. اینان با اشتیاق منتظر روزهای تعطیلی یا مرخصی هستند، تا بتوانند به خود برسند و فرزندان‌شان را ببینند و یا حتی خواب راحتی بکنند. اینان مدار بسته‌ای را که در آن به سر می‌برند، می‌شناسند. هر روز با دغدغه زحمت آمد و شد، سپردن کودکان به کودکان، نگرانی پیوسته از ابتلا به بیماری اطفالی که از آنها نگهداری می‌کنند، برگشتن به خانه برای آماده کردن غذا، نظافت خانه و ... شروع می‌شود و با خستگی وی پایان می‌پذیرد. این واقعیت شناخته شده امروز جامعه ماست. آنکه بدین وضع دچار نیست، در خانواده‌ها شاهد این وضع است.

تازه بعد از تمامی این مشکلات، فقهای معاصر فتوایی می‌دهند که زنان شاغل احساس مبالغه نیست اگر بگوییم
اکنون خانه‌نشینی زن
و بی‌نیازیش از کار
جز برای زنان ثروتمند

یا کسانی که
شوهری توانگر دارند
ممکن نیست.
کار نکردن رؤیای بسیاری از
زنان است که مجبورند
برای تأمین نیازهای خانواده
- اگر شوهر نداشته باشند -
کار کنند.

کنند به سبب مخالفت با دین و آموزه‌های آن گناه کرده‌اند! آیا به واکنش منفی زن مسلمان
نمی‌اندیشند؟ چه اصراری دارند پشتوانه فتوای خود را دین قرار دهند؟! مگر چه تعداد از زنان حکم
قرآن و سنت در این باره را می‌دانند و چه تعداد از آنان قرآن و سنت را بررسی می‌کنند تا به
بطلان ادعای فقهای گذشته و حال پی ببرند؟!
ناگفته نماند مطلقاً ادعای برخی که می‌گویند اگر زن فقط خانه و بچه‌داری کند، توان فکری خود را
نپروراند و آن را از بین برده است، نیز صحیح نیست، بلکه خلافش درست است، زیرا تربیت و
پرورش بدنی و روحی فرزندان، به فرهنگ و آگاهی گسترده زن نیازمند است. وی باید پیوسته
فهم و شعور خود را رشد دهد، تا دچار لغزش نشده، در دامهای زندگی عصر جدید نیفتد و اثر
منفی بر کودکان نگذارد.

توصیه می‌کنیم فقیهان و نویسندگان فاضل کنونی، نقش فقه در زندگی مردم و نقش فقیه در
جامعه را بدانند. اسلام دینی آسان است، نه سخت. از این‌رو رسالت فقه و فقیهان، آسان کردن
زندگی برای مردم است. فقها باید اوضاع زندگی در هر زمان و مکان، نیز طبیعت جامعه خویش را
در نظر بگیرند. راز بقا و تداوم و توانمندی اسلام، همین است.
از این‌رو فتاوا و نظریه‌های فقها در باره کار کردن زن، باید برگرفته از داده‌های اجتماع و واقعیاتی که
زن مسلمان بدان گرفتار است، نیز وضعیتی که خانواده‌ها در آن به سر می‌برند باشد. فقیهان
معتقدند ساختن جامعه‌ای استوار و متحد، با اداره خانه توسط زن ممکن بوده، باید شوهر نیازهای
خانواده را با کار در بیرون از خانه برآورد. این اعتقاد از شمار حقوق فقها و از موارد اجتهاد است. از
این‌رو دگرگون کردن جامعه و هدایت آن به سوی مطلوب، بر عهده فقیهان است. ما نمی‌توانیم با
آرزوها و رؤیاهایی که فقها از آن قانونهایی واجب‌الاطاعه می‌سازند، زندگی کنیم. بر فقیهان است
حکم اسلام (قرآن و سنت) را در باره کار کردن زن، روشن کرده، مصلحت زن و شوهر را مناسب
با وضع و واقعیات موجود در خانواده‌ها تعیین کنند.

پاورقیها:

۱۹ - این وضع را آشکارا در عراق، بعد از فتح می‌بینیم، اما جوامع پیشرفته که دارای پیوندها و روابط اجتماعی گسترده بود، به زن آزادی بیشتر و اجازه می‌داد با جامعه در ارتباط باشد و مثلاً محافل ادبی برگزار کند. جلسات ادبی «عائشه بنت طلحه» زیانزد است.

۱۷ - نظام الحکم ...، ص ۵۹۱.

۱۱ - د. لیلی الصباغ، المرأة في التاريخ العربي، ص ۱۲۱، چ وزارت فرهنگ و ارشاد ملی، دمشق، ۱۹۷۵.

۱۰ - به جز جنگ و نبردهای قبایل علیه همدیگر، گرچه در این حال نیز زن نقش بسزایی در تشویق مردان به رزم داشت. وی اشعار حماسی می‌سرود و مردان را از سرزنش زنان، در صورت شکست یا ناتوانی در جنگ بیم می‌داد.

۱۵ - ابوالحسن الماوردي، الاحکام السلطانيه، ص ۲۴۵، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، قاهره، ۱۹۶۶.

۱۲ - همان، ص ۱۲۲ - ۱۲۳.

۱۸ - جرجي زيدان، تاريخ التمدن الاسلامي، ج ۴، ص ۸۸، مطبعة الهلال، قاهره، ۱۹۰۲.

۱۴ - ظاهر القاسمي، نظام الحكم في الشريعة و التاريخ الاسلامي (السلطة القضائية)، ص ۲۵۰، دار النفائس، بيروت، ۱۹۷۸.

۱۶ - اعيان النساء، ص ۲۱۸ و ۵۸۱.

۱ - رشيد رضا، حقوق النساء في الإسلام، ص ۳۷، حاشیه: محمدناصر الألباني، المكتب الإسلامي، بيروت، ۱۹۸۴.

۱۳ - حکیمی در «اعیان النساء» ص ۵۳۷ از «ام بنی انمار» یا بنی النمار نام می‌برد که «راوی و تاجر» بود و می‌گفت: خدمت رسول الله (ص) رسیدم و گفتم: من خرید و فروش می‌کنم ... وی پرسشهایی در باره خرید و فروش کرد و رسول الله وی را راهنمایی نمود.

۲۷ - ابن القيم الجوزیه، اعلام الموقعین عن رب العالمین، تحقیق عبدالرحمن الوکیل، ج ۲، ص ۵ و ۶۴ و ۱۰۰، قاهره، ۱۹۶۹.

۲۲ - محمدجواد مغنیه، الفقه علي المذاهب الخمسة، ج ۴، ص ۲۶۵، باب الاجاره، دار العلم للملايين، بيروت، ۱۹۶۵.

۲۱ - برخي قاريان «قَرَنَ» خوانده و به خانه نشيني تفسير کرده اند، ولي برخي «قُرْن» خوانده اند که تفسيرش: زندگي باوقار در خانه است. اي بسا قرائت نخست مقصود باشد و زنان در خانه محجوب باشند.

۲۶ - الاحكام السلطانية، ص ۲۴۷.

۲۴ - همان.

۲ - شيخ محمدرضا الحکيمي، اعيان النساء، مقدمه، مؤسسة الوفاء، بيروت، ۱۹۸۳.

۲۵ - ؟ فقه السنة، ج ۲، ص ۱۷۸، دارالفکر، بيروت، ۱۹۸۱.

۲۰ - محمد بن علي الشوكاني، الفوائد المجموعة في الاحاديث الموضوعة، ص ۱۳۶، مطبعة السنة المحمدية، قاهره، ۱۹۶۰.

۲۹ - الحجاب، ص ۱۵۸.

۲۸ - المرأة بين الفقه و القانون، ص ۱۷۱.

۳۱ - به اين وضع، جامعه ما فقط دچار نيست، بلکه زنان جوامع غربي نيز از اين وضع گله دارند.

۳۰ - تأثیر اين هجومها در قانونگذارهاي اخير مشهود است، مثلاً قانونگذار عراقي قانوني مي نهد که: اگر شوهر زياده از حد توقع حرف شنوي از زن داشته باشد و بدین سبب به وي ضرر برساند يا بر او سخت گيرد، زن مي تواند اطاعت نکند.

۳ - د. مصطفى السباعي، المرأة بين الفقه و القانون، ص ۱۵۳، مؤسسة الرسالة، دمشق، ۱۹۶۲.

٤ - همان، ص ١٧١.

٥ - احمد فرج، المؤامرة علي المرأة المسلمة (تاريخ و وثائق)، مقدمه، دار الوفاء، مصر، ١٩٨٦.

٦ - ابوالاعلي المودودي، الحجاب، ص ١٥٢ و ١٦٧ - ١٧٢، دار الفكر العربي، كويت.

٧ - از شمار اين فقيهان رشيدرضا است كه مي‌گويد: «جز نادان يا معاند، كسي با خدا نزاع نمي‌كند كه چرا در نظام فطرت، مرد را بر زن برتري داد. قدرت دفاعي مرد بيشتر بوده، خرد وي برتر است.» مودودي زن را در برخي اوقات، موجودي ناتوان مي‌بيند، مثلاً در حال حيض، شيدا بوده، با كوچكترين تحريك، دست به كارهاي نسنجيده مي‌زند، و در هنگام حاملگي، عصبي و مضطرب بوده، فكرش آشفته و پيوسته دچار پريشان‌حالي است و پس از زايمان دچار بيماريها گشته، با اين حالات زندگي مي‌كند[!]

٨ - علاءالدين ابوبكر الكاساني، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ٥، ص ٢١٩٧، مطبعة الامام، قاهره.

٩ - محمد بن احمد السرخسي، المبسوط في الفقه، ج ٥، ص ١٨٥، مطبعة السعادة، قاهره، ١٣٢٤هـ.